معاون وزیر کشور و رئیس سازمان مدیریت بحران در گفت‌وگو با «شهروند» مطرح کرد:

همه چیز درباره مقابله با شرایط بحرانی

ادامه از صفحه ۹

*** اهمیت آموزش در مورد بحران بر کسی پوشیده نیست. آنچه که اهمیت می‌یابد، اثربخشی و کارآیی آن است. در این زمینه توضیح دهید که در برنامه‌ریزی سازمان مدیریت بحران، بحث آموزش چگونه در نظر گرفته شده و توسط چه ارگان یا نهادی انجام می‌پذیرد؟**

همه دستگاه‌های متولی می‌توانند در بحث آموزش کمک کنند. در وهله نخست، آموزش مدیران ذیربط را در برنامه کاری و سیاست‌های خود قرار داده‌ایم. برای سهولت کار، کشور را به ۵ منطقه تقسیم کردیم تا مسئولان مربوطه در هر منطقه آموزش‌ها را دریافت کنند. ما استادان مجربی در این زمینه در کشور داریم و دانشگاه‌ها هم توجه ویژه‌ای به این موضوع مبذول داشته‌اند. سطح دوم آموزش، بر مردم تمرکز دارد و از اهمیت زیادی برخوردار است. مردم اولین کسانی هستند که می‌توانند در پیش‌بینی، پیشگیری و بحث مقابله، همکاری لازم را داشته باشند و کمک کنند و از حکومت نیز مطالبه داشته باشند. به جرأت می‌توان گفت عضوی از یک خانواده که از حادثه جان سالم به در برده، نخستین فردی است که می‌تواند سایرین را نجات دهد، البته به این شرط که آموزش‌های صحیح را دریافت کرده باشد. در برنامه کاری ما انتقال اطلاعات و مهارت به روش‌های مختلف ازجمله مطبوعات، صدا و سیما، پیامک و ... مدنظر است.

*** آیا مواردی که در زمینه آموزش بدان‌ها اشاره کردید، تا امروز در کشور وجود داشته است؟**

بله. در پنج استان به صورت منطقه‌ای برنامه‌ریزی‌هایی کردیم. پیش‌تر هم مرتبا آموزش در استان‌ها برگزار می‌شده و الان اصرار داریم که این ترتیبات را گسترده‌تر کنیم.

*** یعنی آموزش در قالب برگزاری کلاس بوده است؟**

برای مسئولان به صورت کلاس و کارگاهی است که توان شکل‌دهی تیمی تمرین شود و برای مردم به صورت انتقال اطلاعات از طریق صدا و سیما، مطبوعات، متون آموزشی، پیامک و ... بوده است. به هر حال صداوسیما و مطبوعات ظرفیت‌های بزرگی هستند و این اقدامی اجتماعی، ملی و همگانی است. فکر می‌کنم اگر مردم آگاهی‌های اولیه را در مورد خصوصیات جغرافیایی و محل زندگی خود داشته باشند، حرکت خوبی انجام شده است. مثلاً آگاه باشند که احتمال وقوع زلزله در هر نقطه‌ای از جهان متصور است، به‌ویژه نقاطی که روی گسل واقع شده‌اند که کشور ما نیز در این دسته جای می‌گیرد. اگر مردم بدانند که در هنگام ساخت یک واحد مسکونی با کاستن از میزان سطح، ظواهر ساختمان و تجملات و پرداختن به کیفیت ساختمان برای ایمنی خود، چقدر می‌توانند در کم کردن از بار خسارات ناشی از حوادث موثر باشند، گام بسیار مهمی خواهد بود. بسیاری از ساختمان‌هایی که امروزه ساخته می‌شوند، از نظر من به منزله چوبه دار است. بخش اعظم بنا با شیشه پوشش داده می‌شود. آیا هر کدام از این شیشه‌ها به منزله کارد برنده‌ای در زمان حادثه نیست؟ ما ندانسته این طناب را به گردن خود می‌اندازیم. در نظر بگیرید که اگر افراد همین اندازه بدانند، چقدر می‌توانند در کاهش خسارات جانی حادثه نقش ایفا کنند. البته توجه به این نکته ضروری است که آموزش‌ها در همه جا یکسان نیست و نباید باشد، زیرا حوادث با توجه به شرایط مناطق، متفاوت است. البته آگاهی عمومی درخصوص انواع حوادث ضروری است ولی باید با توجه به نوع حادثه محتمل در هر منطقه آموزش‌های اختصاصی در نظر گرفته شود. ضمن این‌که ارایه مطالب آموزشی هم باید صحیح باشد، زیرا برخی اوقات در اثر آموزش اشتباه، افراد جان خود را از دست می‌دهند. حادثه مدرسه شین‌آباد بسیار دلخراش بود. اگر به جای این‌که بخاری را بردارند و جلوی در بگذارند و بعد شیشه را بشکنند و مثلث آتش یعنی مواد، اکسیژن و حرقه را تکمیل کند، با بهره‌گیری از آموزش صحیح به نجات دانش‌آموزان می‌پرداختند، این حادثه به این شکل اتفاق نمی‌افتاد. اگر مدرسه می‌سوخت، بهتر از آسیب‌دیدگی دانش‌آموزان نبود؟ این قبیل اتفاقات در اثر کمبود آموزش رخ می‌دهند. البته ما وظیفه داریم که همه امکانات ایمنی را فراهم کنیم اما این کار با کمک و مشارکت مردم میسر است. امروز دانش و خرد در اختیار داریم و باید به نحو احسن از آن استفاده کنیم. امیدواریم این اتفاق بیفتد.

*** وحدت فرماندهی شرط موفقیت عملیات پس از بحران است. به نظر شما این مهم چگونه در بین نیروهای اجرایی محقق می‌شود؟**

وحدت فرماندهی در حوادث یک اصل اساسی است. اولا باید به موضوع باور داشته باشیم. تصور من این است که اگر ناهماهنگی وجود دارد، به دلیل ناباوری نسبت به بحران است. پیش از حادثه بسیاری از عوامل باید در کنار هم قرار گیرند تا خسارت‌ها کم شود. اگر مسئولان مربوطه نظارت درست نداشته باشند، مصالح ساختمانی استاندارد مورد استفاده قرار نگیرد، مالک یا سازنده ساختمان باور به هزینه کرد برای ایمنی نداشته باشد، زنجیره وحدت و در پی آن ایمنی گسسته خواهد شد. به‌هرحال مسئولیت‌ها و ماموریت‌ها در همه مراحل با توجه به قانون و آیین‌نامه‌های مکتوب و دستورالعمل‌هایی که برای این کار تنظیم و ابلاغ شده، روشن است و نشان می‌دهد که مسئولیت هر کاری را کدام نهاد بر عهده دارد.

مسأله مهمی که در زمان بحران به وجود می‌آید، دخالت دادن احساسات ما ایرانی‌هاست که به جای این‌که گشاینده امور باشد، در برخی موارد، سبب کند شدن کار می‌شود. تعالیم دینی که ما را به نجات جان هنوع توصیه می‌کنند، به جای خود باارزش و محفوظند اما مردم باید بدانند که در زمان حادثه با فراخوان مسئولان مربوطه و با آگاهی از آنچه که مورد نیاز آسیب‌دیدگان است، وارد صحنه شوند.

یکی از معضلات ما در زلزله ورودبار همین بود که افراد بدون هماهنگی برای کمک آمده بودند. اگر آگاهی و همسویی وجود داشته باشد، قطعا خسارت نیز کاهش می‌یابد.

من از مرکز آموزش مردمی در ژاپن بازدید کردم. یکی از آموزش‌ها این بود که افراد منتظر رسیدن کمک نمانند و با حداقل وسایلی که پس از حادثه برایشان مانده، سرپناهی برای خود برپا نمایند. چون مدتی طول می‌کشد که نیروهای امداد به محل برسند. ما نمی‌توانیم مثلا ۱۰۰ بولدوزر را در جایی با راننده نگه داریم تا در زمان بحران از آنها استفاده نماییم. چراکه این کار هزینه‌های جاری و استهلاک فراوان را به کشور تحمیل می‌کند. به جای این کار دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط را تقویت می‌کنیم. وحدت فرماندهی در گام نخست، باید این باور را ایجاد کند که فرد نجات یافته از حادثه همه امکاناتش را برای نجات حتی یک نفر به کار بندد، چون در قرآن کریم آمده که نجات یک نفر با نجات بشریت مساوی است. ما باید در جهت اجرایی نمودن این آموزه‌ها در آموزش‌ها و رفتارهای‌مان بازنگری داشته باشیم.

*** به نظر شما این باور در بین ما تا چه میزان وجود دارد؟**

به نظرم هنوز به‌طور کامل ایجاد نشده و لذا وحدت آن‌گونه که باید، محقق نشده است. یعنی اگر حادثه‌ای رخ دهد، ممکن است به‌رغم همه سازوکارهایی که تا کنون ایجاد کرده‌ایم، مدیریت بحران و عملکرد ما خیلی بهتر از موارد پیشین نباشد اما در پاره‌ای موارد، قطعا امروز تدابیر بهتری داریم. مثلا در گذشته از کارخانه‌ها مقدار زیادی کنسرو خریداری شده و در انبار نگهداری می‌شد و با سپری شدن مدت‌زمان مصرف، دور ریخته می‌شد. الان این‌طور نیست. از چندین کارخانه خواسته می‌شود که هر روز به‌عنوان مثال یکمیلیون کنسرو لوبیا یا تن ماهی جدا از سایر تولیدات خود، در نظر بگیرند. بدین ترتیب در زمان نیاز، کنسرو سالم به مقدار کافی در اختیار خواهد بود، ضمن این‌که ما هم بخش خصوصی و هم امکانات موجود را به خدمت گرفته‌ایم. اگر آن باوری که ذکر شد، وجود نداشته باشد، ممکن است کارخانه‌دار پول را بگیرد و این کار را انجام ندهد.

*** مهم‌ترین مسأله‌ای که درحال حاضر در دستور کار این سازمان است، کدام است؟**

ما مسأله آموزش را در اولویت کار خود داریم و اگر بتوانیم در همه سطوح آموزش داشته باشیم، کارها بسیار آسان‌تر پیش می‌رود. نکته دوم که ما به‌جد دنبال می‌کنیم، بحث کمبود آب است. به‌رغم بارش خوب امسال باز هم در کشور با کمبود جدی آب روبه‌رو هستیم. اولویت بعدی حل معضل ریزگردهاست که عمده امور برخی استان‌ها را تحت‌تأثیر و حتی به تعطیلی کشانده است ازجمله اقتصاد، کشاورزی، عبور و مرور، سلامت مردم و ... شرایط سختی را بر مردم تحمیل کرده است. در مرحله بعد بحث پراهمیت پیشگیری مطرح می‌شود. در شهر تهران تقریبا ۷۰درصد ساختمان‌ها زیر سی و پنج سال قدمت دارند و ما قاعدتا نباید نگران باشیم اما هستیم. چرا؟ چون بناها را اصولی نساخته‌ایم، درنهایت بحث بازسازی است. من اخیرا بازدیدی از مورموری ایلام داشتم. خوشبختانه با مشارکت خوب مردم و همدلی و وفاق همه مسئولان، کار بسیار خوبی انجام شده است. تاکنون یکمیلیون و هفت صدهزار واحد روستایی در منطقه ساخته شده است و سالانه هم برای بازسازی و نوسازی ۲۰۰هزار واحد مسکونی تمهیداتی اندیشیده شده و در دستور کار است. از بار خسارت احتمالی به میزان قابل توجهی کاسته‌ایم. توجه به مسایل علمی درخصوص حوادث و عملیاتی کردن آموخته‌ها و استقرار سامانه جمع‌آوری اطلاعات هم یکی از کارهای ماست که داریم دنبال می‌کنیم.

*** مدیریت شرایط پس از زلزله مورموری را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

با این‌که شدت زلزله ۶.۲ ریشتر بود اما تجربه‌ای که همکاران من از وقایع پیشین داشتند، کمک کرد تا خسارت کم شود. البته هنوز با حالت مدیریت بهینه فاصله داریم. اگر پیش‌لرزه‌ها را رصد کنیم، می‌توانیم به مردم اطلاع دهیم. در زلزله لرستان با استفاده از همین تدبیر، رسما به مردم اطلاع‌رسانی شد و حدود ۲۳ نفر کشته شدند. البته خسارت مالی سنگین بود ولی خوشبختانه از نظر جانی تعداد تلفات کاهش یافت. در مورموری نیز با استفاده از همین تجربه به مردم گفته شده بود که زیر سقف نمانند. خوشبختانه همه رعایت کردند. مثال دیگر، محمدآباد ریگان در کرمان است که ستاد مدیریت بحران در ساعت‌های اولیه پس از وقوع زلزله جلسه‌ای تشکیل داد که در آن احتمال کشته‌های ۱۰هزار نفری تخمین زده شده بود اما ۴ کشته داشتیم و عمده علت آن توجه مردم به مقاوم‌سازی بود.

*** طرح‌هایی که در دستور کار سازمان مدیریت بحران قرار دارند، کدامند؟**

مقوله‌ای که دنبال می‌کنیم ارتقای پیش‌نشانگرهاست که انواع مختلف دارند، از نشانگرهایی که لرزه‌نگارند تا دسته‌ای که تغییرات آب و هوایی و وضع آب‌های زیرزمینی را نشان می‌دهند. با توجه به این‌که در کشور گسل‌های زیادی وجود دارد، لازم است که هر ۵۰ کیلومتر یک لرزه‌نگار نصب شود. درحال حاضر، فاصله بین دو لرزه‌نگار بسیار زیاد و احتمال خطا هست و در کشور ۱۲۰۰ لرزه‌نگار کم داریم. مجهزکردن سازمان هواشناسی به تجهیزات نوین نیز در دستور کار است تا بتواند حوادث محلی را زودتر پیش‌بینی کند. این سازمان با امکانات فعلی فاصله ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتر را پوشش می‌دهد. در حادثه طوفان تهران پیش‌بینی ممکن نبود اما دیده‌بانی و اطلاع‌رسانی، شدنی بود که تا حدی تعلل شد. بحث اطلاع‌رسانی به مردم به نظر من حایز اهمیت است. بسیاری از کشورها در این بخش پیشرو هستند. در این زمینه هم در حال مطالعه هستیم تا بتوانیم امکاناتی را که لازم است، تهیه کنیم. چون ممکن است دوربین‌های نظارتی، رادیو و تلویزیون را در زمان بحران از دست بدهیم. ما در وزارت کشور مرکز فرماندهی کنترل مدیریت بحران ایجاد کرده‌ایم و امیدواریم که بتوانیم این مرکز را به صورت ۲۴ ساعته در کشور با بکارگیری همه دستگاه‌های اجرایی و کارگروه‌ها به کار بیندازیم.

*** درباره وجوه اشتراک و تمایز سازمان مدیریت بحران و سازمان هلال‌احمر توضیح دهید.**

ما تمایزی نمی‌بینیم. این دو سازمان ماموریت‌های جداگانه‌ای دارند که براساس قانون به آنها محول شده اما در راستای یک هدف فعالیت می‌کنند. ضمن این‌که در زمان بحران، فرمانده، ستاد مدیریت بحران است. واقعیت این است که برخی از دستگاه‌ها کارهای موازی دارند. باید این حالت را کمتر کنیم و مأموریت‌های اصلی را بهتر انجام دهیم تا حصول به هدف مشترک محقق شود.

*** به نظر می‌رسد تا زمانی که موازی‌کاری‌ها و ناهماهنگی‌ها بین بخش‌های اجرایی و مردم وجود دارد، ما دچار سردرگمی و تفرق در زمان پس از بحران خواهیم بود. به نظر شما کم کردن این ناهمسویی‌ها و تغییر رویکرد و ایجاد باوری که از آن یاد کردید، نیازمند چه اقداماتی است و چقدر طول خواهد کشید؟**

امیدوارم که این حالت به وقوع بپیوندد و بتوانیم تا حد امکان به انسجام و همسویی برسیم اما نمی‌توان بازه زمانی مشخصی اعلام کرد. در عین حال که بودجه قابل توجهی برای بحران در نظر گرفته شده اما یک فرآیند بسیار طولانی وجود دارد تا بتوانیم به آسیب‌دیدگان کمک کنیم. یعنی از لحاظ قانونی پیچیدگی‌هایی هست. در بازدیدی که از جمهوری آذربایجان داشتم، جمعیتی در حدود ۹میلیون نفر دارد و خطر وقوع حوادث طبیعی در مقایسه با کشور ما بسیار کمتر است، دیدم که وزارتخانه بسیار مجهزی برای مقابله با بحران برپا کرده‌اند. این درحالی است که گاهی مسئولان ما در مورد تأسیس سازمان مدیریت بحران تردید دارند و این از باور ما نشأت می‌گیرد. باید نگاه و افکار خود را تصحیح کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، به سمت مطلوب حرکت خواهیم کرد.

*** اگر روزی یکی از بلایای طبیعی در تهران اتفاق بیفتد، با عنایت به شرایط جغرافیایی، ویژگی‌های شهرسازی و تراکم جمعیت در این شهر، به نظر شما سازمان مدیریت بحران چگونه و با چه میزان آمادگی وارد عمل خواهد شد؟ نقش مردم چه خواهد بود؟**

اگر خدای نکرده در تهران حادثه‌ای به وقوع بپیوندد، مثلا باران شدیدی ببارد یا ساختمانی ریزش کند، عبور و مرور در تهران تقریبا جزو محالات خواهد بود. هر تعداد امدادگر داشته باشیم، باز هم کار به سختی پیش خواهد رفت. لوله‌کشی‌های گاز نیز خطر بزرگی محسوب می‌شود. یا برخی مواد شیمیایی ازجمله خانواده «ددت» که در برخی خانه‌ها نگهداری می‌شود و تنها چند کشور می‌توانند این ماده را با تمهیدات خاصی بسوزانند. این موارد ممکن است به ظاهر چیزی نباشند اما منشأ بالقوه خطرند. از سوی دیگر، ما همه این هماهنگی‌ها را ایجاد می‌کنیم اما اگر حادثه‌ای در تهران اتفاق بیفتد، آیا من به‌عنوان مسئول زنده هستم؟ ما باید جایی را داشته باشیم که ضمن تأمین امنیت افراد شایسته، امکان مدیریت وضع بحرانی را نیز برای آنان فراهم کنیم. واقعیتی را عرض می‌کنم. من مسئول هر میزان هم که با ایمان باشم، در زمان حادثه، اولین چیزی که به ذهنم می‌رسد، خانواده خودم است، بنابراین اهمیت آموزش و تغییر نگرش شهروندان بار دیگر مشخص می‌شود.

*** کشور ما از جهت آمادگی برای مقابله با شرایط بحرانی حاصل از بلایای طبیعی و انسان‌ساز در مقایسه با سایر نقاط جهان، چه رتبه‌ای را به خود اختصاص داده است؟ کدام کشورها از این نظر در جایگاه نخست قرار دارند؟**

در حال حاضر کشور ژاپن و برخی از کشورهای اروپایی به دلیل توجه به استانداردها در ساخت‌وساز، معماری و مقاوم‌سازی حایز رتبه‌های خوبی هستند و ما در کشورمان تا نقطه مطلوب با توجه به اقدامات بسیار خوبی که انجام گرفته، فاصله زیادی داریم ولی خوشبختانه در زمینه مقابله با بحران، حضور مردم بسیار مطلوب و موثر است و قطعا رتبه کشورمان در سطح بالاتر از انتظار است اما مسئولان باید بهره‌وری این سطح از حضور و آمادگی مردم را با آموزش‌های مستمر ارتقا دهند که به لطف خداوند متعال و حمایت‌های دولت محترم در برنامه‌های امسال این سازمان، آموزش مسئولان و مردم مورد توجه قرار گرفته است.